

دکتر حسین غلامی *

تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه

چکیده:

مطابق یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های جرم‌شناختی، تعداد اندکی از بزهکاران، مشغول ارتکاب بخش عظیمی از جرایم هستند. آنان کسانی‌اند که دارای مشی مجرمانه می‌باشند. مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از جرم، بدون مبارزه با این دسته از مجرمین و جرایم ارتكایی آنان امکان‌پذیر نیست. با این وجود، حقیقت آن است که در رابطه با این موضوع اطلاعات کمی وجود دارد.

در این مقاله به بررسی ابعاد و جنبه‌های مختلف واقعیت پدیده تکرار جرم حرفه‌ای یا بزهکاری حرفه‌ای پرداخته شده و ضرورت اتخاذ سیاست جنایی مؤثر و کارا برای مبارزه با آن مورد تأکید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

تکرار جرم، حرفه مجرمانه، مجرمین حرفه‌ای، سیاست جنایی.

مقدمه

صرف نظر از طبقه‌بندی بزهکاران به بزهکاران مرتکب جرایم خشونت‌آمیز^۱ و بزهکاران با درجه خطرناکی پایین^۲، یک طبقه‌بندی دیگر از آنها، تقسیم آنان به مجرمان اولیه^۳ و اتفاقی^۴ از یک طرف و مجرمان مکرر و حرفه‌ای از سوی دیگر است. مجرمان اولیه کسانی هستند که مرتکب یک جرم یا بیشتر شده، اما فاقد هرگونه سابقه کیفری می‌باشند. آنان ممکن است برای اولین بار مرتکب جرایم خشونت‌بار یا جرایم علیه اموال یا هر جرم دیگر شوند. چنانکه ممکن است مرد یا زن، جوان یا پیر باشند. همچنین ممکن است برخی از آنها دارای سابقه ارتکاب جرم در زمان کودکی و نوجوانی بوده یا نباشند. آن دسته از بزهکاران اولیه که تنها مرتکب یک جرم شده و پس از آن دستگیر شده‌اند و از طرف دیگر بیم ارتکاب جرایم بعدی آنها وجود ندارد را مجرمین اتفاقی می‌گوییم. این اصطلاح حاکی از آن است که گاه و بلکه معمولاً «موقعیت»^۵ و شرایط به‌گونه‌ای است که منجر به بروز رفتار مجرمانه شده و فرد را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد. از جمله این شرایط، ممکن است بحث و مجادله یک زن و شوهر راجع به موضوعی جزئی و بی‌اهمیت باشد که گاه منجر به ضرب و جرح یا حتی مرگ یکی از طرفین می‌شود، چنانکه ممکن است موقعیت وخیم اقتصادی و مالی نیز منجر به ارتکاب سرقت یا اختلاس و غیره از طرف فردی شود که هرگز سابقه ارتکاب جرم نداشته و بیم ارتکاب آن از سوی وی نیز وجود نداشته است. «اتفاقی بودن» ارتکاب جرم از طرف این دسته از بزهکاران مانع از اتخاذ تدابیر سخت و شدید نسبت به آنان است. این دسته از بزهکاران اصولاً باید آماج برنامه‌های اصلاحی و پیشگیرانه واقع شوند. به همین دلیل است که این دسته از بزهکاران از جمله اولین و بهترین نامزدهای استفاده از آزادی مشروط، تعلیق صدور حکم و یا مجازات، عفو و سایر نهادهای تخفیف‌دهنده یا تعلیق‌کننده مجازات‌ها می‌باشند.

1- Violent criminals

2- Low risk criminals

3- First offenders

4- Situational offenders

5- Situation

در مقابل بزهکاران اولیه و اتفاقی، باید از بزهکاران مکرر^۱ و بزهکاران حرفه‌ای^۲ یاد کرد. مجرمین مکرر و حرفه‌ای مستمراً مرتکب جرایم جدید می‌شوند. آنان پس از دستگیری، محاکمه و محکومیت و تحمل حکم، بار دیگر مرتکب جرم می‌گردند و اغلب بخش بزرگی از مشتریان دستگاه عدالت کیفری را تشکیل می‌دهند. از میان آن دسته از بزهکاران مکرر، بزهکارانی که دارای مشی مجرمانه بوده و از طریق ارتکاب جرم ارتزاق و زندگی می‌کنند را بزهکاران حرفه‌ای می‌نامیم. آنان به رفتار مجرمانه خود به همان ترتیبی می‌نگرند که دیگران به شغل قانونی خود؛ زیرا آنها در ارتکاب جرم دارای چنان توانایی و مهارتی هستند که هر فرد متخصص در اجرای تخصص خود از آن برخوردار است. دستگیر شدن و محکومیت به انواع مجازات‌ها برای این دسته از بزهکاران جزء مخاطرات معمول شغل آنان است، درست به همان ترتیب که هر شغل دیگری نیز از چنین درصدی از مخاطرات برخوردار می‌باشد. بدون تردید شناخت و مطالعه بیشتر درخصوص بزهکاران حرفه‌ای مرهون پژوهش‌های «ادوین ساترلند» جرم‌شناس آمریکایی در اثر ممتاز «سارق حرفه‌ای» است. (۱)

«ساترلند» در واقع بنیانگذار رویکرد بررسی بزهکاری حرفه‌ای است. با وجود آن که بیشتر پژوهش‌های جرم‌شناختی بر نرخ کلی جرایم متمرکز می‌شوند، رویکرد بررسی بزهکاری حرفه‌ای در جستجوی تجزیه و تحلیل فعالیت مجرمانه کسانی است که مستمراً مرتکب جرم می‌شوند. در این رویکرد، نرخ کلی جرایم از دو جهت دیگر یعنی درصد بزهکاران مرتکب جرایم حرفه‌ای و میزان فعالیت مجرمانه آنها مورد بررسی واقع می‌شود. این تقسیم‌بندی و تجزیه و تحلیل به ویژه از آن جهت مهم است که هم می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلف قرار گرفته و هم موجب اتخاذ سیاست جنایی کاملاً متفاوتی شود. بررسی میزان بالای ارتکاب جرم توسط گروهی خاص از بزهکاران جهت اتخاذ هرگونه سیاست پیشگیرانه از بزهکاری این دسته از افراد ضروری است و بررسی نرخ بزهکاری، شدت و سنگینی جرم و طول مدت ارتکاب آن نیز موضوع محوری کلیه تصمیمات در نظام عدالت کیفری است.

بزهکاران حرفه‌ای که خود به انواع دیگری از قبیل مجرمین خطرناک، به عادت و مزمن تقسیم می‌شوند از جهات مختلف در سیاست گذاری جنایی قابل مطالعه می‌باشند. آن دسته از بزهکاران مذکور که مرتکب تعداد اندکی از جرایم در مدت زمانی محدود شده و سپس از ارتکاب جرم دست کشیده‌اند از آن جهت قابل مطالعه می‌باشند که تعیین عوامل مؤثر بر ترک استمرار جرم آنها، می‌تواند زمینه طراحی و برنامه‌ریزی ویژه‌ای را در عرصه سیاست عمومی ایجاد نماید. این سیاست می‌تواند ناظر به اتخاذ تدابیر بازدارنده کیفری یا راهبردهای اصلاحی یا بازپروری باشد. از سوی دیگر بخش دیگری از بزهکاران مکرر که شدیداً به فعالیت مجرمانه خود ادامه می‌دهند از آن جهت جالب توجه هستند که ممکن است مشمول برخی تدابیر سلب توان بزهکاری از طریق حبس باشند. در هر حال مطالعه و ارزیابی ابعاد بزهکاری حرفه‌ای از جهات مختلف ضروری و گریزناپذیر است. این ضرورت بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که بزهکاران حرفه‌ای نه تنها حجم عظیمی از نرخ کلی بزهکاری را به خود اختصاص می‌دهند، بلکه توانایی کلیه نهادهای عدالت کیفری را نیز به چالش کشیده، ضرورت اتخاذ سیاست جنایی موثرتری را اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند. در این مقاله ضمن تبیین برخی ابعاد بزهکاری حرفه‌ای و اشاره به نتایج بعضی از پژوهش‌های جرم‌شناختی، ضرورت اتخاذ چنین سیاستی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

گفتار اول - تعریف جرم حرفه‌ای

عنوان «حرفه مجرمانه» موضوع اصلی بسیاری از تحقیقات اخیر جرم‌شناسی است. در حالی که ممکن است در تعریف آن اتفاق نظری وجود نداشته باشد. آلفرد بلومستین^۱ که خصوصاً در این باره تحقیقات ارزنده‌ای انجام داده است معتقد است: «تبیین رفتار جنایی افراد تحت عنوان «حرفه مجرمانه» با ورود به این حرفه قبل یا در زمان ارتکاب اولین جرم و خروج از آن در زمان یا بعد از ارتکاب آخرین جرم، بسیار مفید است. در طول یک حرفه مجرمانه، مجرم تمایل

مستمری برای ارتکاب جرم دارد، مستمراً مورد بازداشت‌های متعدد قرار می‌گیرد و گاهی محکوم و بعضی اوقات نیز زندانی می‌شود.» (۲)

از نظر بلومستین این تعریف از حرفه مجرمانه می‌تواند شامل تمامی جرایم ارتكابی یک فرد یا فقط شامل تعداد معینی از جرایم انتخابی شود.

بر این اساس مفهوم «حرفه مجرمانه» پدیده‌ای ذوجهین است که هم با آغاز اشتغال به ارتکاب جرم و هم با استمرار آن قابل شناسایی است. حرفه مجرمانه می‌تواند به وسیله همه جرایم یا به وسیله انواع مشخصی از جرایم ارتكابی در طول زندگی یک مجرم مورد شناسایی قرار بگیرد.

«جرم حرفه‌ای»^۱ اصولاً به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که به عنوان یک زمینه اشتغال جهت تحصیل درآمد مورد ارتکاب قرار می‌گیرد و توسعه این «حرفه» با ورود و اجتماعی شدن بزهکار در دنیای جرم که همراه با تکمیل مراحل متعدد از جمله فراگیری مهارت‌های لازم و آگاهی از بازار فروش فرآورده‌های این حرفه است، انجام می‌پذیرد (معاشرت ترجیحی). جرم حرفه‌ای همچنین در ماهیت خویش یک «فن» است زیرا آنانی که به ارتکاب آن اشتغال دارند، بدین ترتیب در مورد آن می‌اندیشند. به گونه‌ای که در این سطح از تخصص، میان مجرم حرفه‌ای و مجرم غیرحرفه‌ای، تفاوت می‌گذارند و از این جهت است که تیپ‌های مختلف «حرفه‌ای‌ها» با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند. (۳)

برای شناخت بهتر حرفه مجرمانه می‌توان از تعریف مجرمان حرفه‌ای نیز مدد جست. دپارتمان عدالت کیفری امریکا با توجه به کثرت و شدت جرایم ارتكابی مجرمین، جهت تعریف مجرم حرفه‌ای مقرر می‌دارد: «... کسی است که دو سابقه بازداشت یا محکومیت برای جرایم شدید (سنگین) داشته باشد، یا آنکه حائز تعداد بسیار زیاد و غیرمتعارفی از توقیف‌ها یا محکومیت‌ها برای درجات مختلفی از جرایم سنگین باشد.» (۴)

این تعریف از جهاتی مورد انتقاد برخی از نویسندگان قرار گرفت. اولین ایراد این تعریف آن

است که در آن میان بازداشت و محکومیت تمییز قایل نشده و بنابراین نمی‌توان به‌طور قطع معین نمود که آیا فرد مجرم حرفه‌ای است یا خیر؟ به‌علاوه، این تعریف فقط شامل تعداد^۱ و شدت سنگینی^۲ جرم است و اشاره‌ای به «سرعت»^۳ ارتکاب آن نکرده است. علاوه بر این، در این تعریف احتساب سرعت جرایم ارتكابی و احتمال «ریزش ناگهانی جرایم»^۴ دیگر به حساب نیامده است. (۵) به همین دلیل برخی از نویسندگان تلاش کرده‌اند تا با توجه به عناصر زیر به تعریف حرفه مجرمانه پردازند:

۱- تعداد: امکان اطلاق حرفه مجرمانه تنها با ارتکاب یک جرم، هر چقدر که شدید باشد وجود ندارد. بنابراین اولین شرط ضروری برای تحقق حرفه مجرمانه این است که حداقل شامل دو جرم گردد.

۲- حتمیت^۵: باید به‌طور متعارف مطمئن باشیم که حداقل دو جرم در حال حاضر به وسیله مجرم منظور مورد ارتکاب قرار گرفته است. بنابراین، ضرورت است که مرتکب، مجرم تشخیص داده شود، خواه به وسیله قاضی یا به وسیله دادستان، به خاطر دو جرم یا بیشتر.

۳- شدت [سنگینی]^۶: در تشخیص مجرمینی که مشخصاً فعال و خطرناک هستند، این امر بسیار مهم است که مجرمینی را که فعال هستند اما خطرناک نیستند، یعنی آنهایی که غالباً برای جرایم خفیف (خلاف)^۷ یا جنحه‌ها بازداشت شده‌اند، البته نه هرگز برای جرایم بسیار شدید، جدا نمائیم.

۴- دوره عاری از جرم^۸: نهایتاً پیش شرط منطقی برای تعریف حرفه مجرمانه این است که مستمر باشد و سریع. به عبارت دیگر، برای یک مجرم حرفه‌ای، مدت بازداشت‌های بین یک جرم شدید و جرم شدید دیگر باید دقیقاً در مقایسه با سایر مجرمین کمتر باشد. بنابراین برای

1- Number

2- Seriousness

3- Speed

4- Crime Spurts

5- Certainty

6- Seriousness

7- Petty Offenses

8- Crime free Period

تعیین مجرم حرفه‌ای از میان گروهی از مجرمین، تنها وجود شرط استمرار کافی نیست بلکه او باید در ادامه حرفه خویش در طول یک مدت معین سریع‌تر از سایر مجرمین مرتکب جرم گردد. (۶)

بدین ترتیب، با در نظر گرفتن معیارهای فوق مجرم حرفه‌ای را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: مجرمی است که دارای حداقل دو محکومیت به ارتکاب جرایم شدید است و نسبتاً محتمل است که در مدت زمان کوتاهی به خاطر ارتکاب جرم شدید دیگری مورد توقیف مجدد قرار بگیرد.

گفتار دوم - ابعاد حرفه مجرمانه

تحقیقات جرم‌شناسی در ارتباط با بررسی جرایم و علل آنها، معمولاً به نرخ کلی جرایم و شدت و ضعف آنها بیشتر توجه دارند و بنابراین به بررسی جمعیت‌های بزهکار می‌پردازند. در مقابل، رویکرد بررسی حرفه مجرمانه^۱ در جستجوی تجزیه و تحلیل حیات (حرفه) مجرمانه فرد یا افرادی است که مرتکب جرایم مکرر و متعدد می‌شوند. در این رویکرد مجموع یا توده جرایم به دو قسمت جداگانه تقسیم می‌گردد. اول درصد جمعیتی که مرتکب جرایم می‌گردند و دوم ماهیت و گستره فعالیت مجرمانه انسانی که فعالانه درگیر ارتکاب جرم هستند. این تقسیم‌بندی فوق‌العاده ضروری است زیرا این دو بخش می‌توانند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار بگیرند و بنابراین مشمول سیاست‌گذاری‌های متفاوت واقع شوند. بررسی مباشرت در ارتکاب جرم^۲ از آن جهت مهم است که می‌تواند در پیشگیری از ورود افراد به حرفه مجرمانه مورد مطالعه قرار گیرد. و بررسی کثرت^۳، شدت^۴ و مدت^۵ ارتکاب جرم بدون تردید از آن جهت اهمیت دارد که موضوع اصلی سیاست‌گذاری جنایی است (۷) و در ارائه هرگونه مبنای نظری باید

1- Criminal career approach

2- Participation

3- Frequency

4- Seriousness

5- Length

مورد توجه قرار گیرد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که حرفه مجرمانه دارای چهار بعد اساسی است که به وسیله آنها شناخته می‌شود:

- ۱- مباشرت در ارتکاب جرم: که بیانگر تفاوت میان کسانی است که مرتکب جرم شده و کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند.
- ۲- کثرت (تعداد): که بیانگر نرخ جرایم ارتكابی فرد یا افرادی است که در ارتکاب جرم فعالیت دارند.
- ۳- شدت جرایم ارتكابی؛ و
- ۴- طول مدت حرفه مجرمانه: که همانا مدت زمانی است که یک مجرم در ارتکاب جرایم مکرر و متعدد فعال است.

کثرت (تکرار)، شدت و طول مدت ارتکاب جرایم به مجرم بستگی دارد. از یک سو مجرم مرتکب یک جرم می‌گردد و از سوی دیگر ممکن است مجرمین حرفه‌ای با شناسه‌های مجرمین خطرناک^۱، به عادت^۲ یا مزمن^۳ وجود داشته باشند که مرتکب جرایم سنگین یا شدید و تعداد معتناهی جرم در مدت زمان گسترده‌ای می‌گردند. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که تنها بخشی اندک از مجرمین، مرتکب بیشترین درصد جرایم می‌گردند. (۸) «شانون» در تحقیق خود که به سال ۱۹۸۲ انجام شده است نتیجه می‌گیرد که کمتر از ۲۵ درصد از مردانی که در تحقیق او مورد مطالعه قرار گرفته‌اند حداقل مرتکب پنج جرم شده و مسئول ۷۷ تا ۸۳ درصد از کل جرایم ارتكابی مردان در منطقه «راسین» و «ویسکاسین» بوده‌اند. (۹)

شناخت هر کدام از دو دسته مذکور در فوق برای تبیین تئوریک پدیده تکرار جرم و سیاست‌گذاری جنایی ضروری است. گروهی که مرتکب یک جرم یا تعداد اندکی از جرایم شده‌اند از آن جهت باید مورد مطالعه قرار گیرند که تعیین شود چه علل و جهاتی موجب عدم ادامه و

1- Dangerous offenders

2- Habitual offenders

3- Chronic offenders

استمرار حرفه مجرمانه آنان شده است. شناخت این گروه به ویژه در پیشگیری از حرفه‌ای شدن بزهکاران اولیه و تدوین سیاست مستقل ناظر به مجرمان حرفه‌ای مؤثر است. (۱۰)

ذیلاً راجع به هر کدام از ابعاد حرفه مجرمانه توضیح مختصری ارائه می‌گردد.

۱-۲- مباشرت در ارتکاب جرایم

بررسی ارتکاب جرم فرد و ورود یا خروج از گردونه ارتکاب جرم، محقق را یاری می‌دهد تا در پیش‌بینی نرخ کلی جرایم نیز موفق باشد. ارتکاب جرم در این معنا می‌تواند با تعیین نرخ آن در یک گروه از مجرمان و با در نظر گرفتن معیار (به عنوان مثال) سن مورد ارزیابی قرار گیرد. کما اینکه می‌تواند با تعیین مقدار جرایم ارتکابی در طول یک دوره مشخص نیز مورد بررسی واقع شود. این موضوع می‌تواند با توجه به نرخ بازداشت‌های رسمی و نیز با توجه به نرخ محکومیت‌های ناشی از احکام دادگاه‌ها مورد محاسبه قرار گیرد. (۱۱) مقدار جرایم ارتکابی همچنین می‌تواند با گزارش‌های شخصی^۱ مجرمین مورد ارزیابی واقع شود. گرچه از این چند عامل، نرخ محکومیت، آن چنانکه پیش از این گفته شد قطعی‌تر و یقینی‌تر به نظر می‌رسد.

«بلومستین» در خلاصه تحقیق خود و همکاران به این واقعیت اشاره می‌کند که به دلیل ارتکاب بیشتر جرایم در شهرها و علی‌الاصول به دلیل اشتغال بیشتر مردان در ارتکاب جرم، تحقیقات جرم‌شناسی جهت تبیین حدود ارتکاب جرم بر بزهکاری مردان در شهرها متمرکز گردیده‌اند. او میزان مباشرت افراد در ارتکاب جرم را چنین نشان می‌دهد: ۲۵ تا ۴۵ درصد مردان در مناطق شهری به دلیل ارتکاب جرایم غیرراهنمایی و رانندگی تا سن ۱۸ سالگی بازداشت می‌شوند. ۱۲ تا ۱۸ درصد به دلیل جرایمی همچون قتل عمد، زنا به عنف، ورود به عنف به منزل دیگری، ضرب و جرح مشدد، سرقت به عنف، سرقت عادی و سرقت اتومبیل بازداشت می‌گردند و ۴ تا ۸ درصد برای جرایمی که متضمن صدمه بدنی علیه مجنی‌علیه است و تقریباً نیمی از کسانی که در طول زندگی خویش بازداشت می‌شوند قبل از سن ۱۸ سالگی نیز بازداشت

شده بودند.

در همین راستا نتایج برخی دیگر از تحقیقات نیز قابل توجه است. به عنوان مثال «رابینز»^۱ در تحقیق خود دریافت که ۷۵ درصد از بزهکاران پسری که دارای رفتار ضد اجتماعی بوده‌اند، در زمان بزرگسالی حداقل یک بار دیگر بین سنین ۳۱ تا ۴۳ سالگی بازداشت شده و ۴۹ درصد از این گروه حداقل سه بار بازداشت گردیده‌اند. این ارتباط حتی بین آن دسته از بزهکارانی که رسماً از طرف دادگاه به عنوان بزهکار شناخته شده بودند قطعی تر است. (۱۲) او همین رابطه را بین تکرار جرم حرفه‌ای و مستمر ۱۳۳ نفر از ۴۱۹ بزهکار صغیری که دارای بیماری روانی نیز بوده و دارای سابقه کیفری در سنین ۱۸ تا ۲۰ سالگی بوده‌اند و اکنون در سنین ۳۰-۴۳ سال می‌باشند کشف نمود. (۱۳) در تحقیقی دیگر که در ۲۱۵ مرکز اصلاح و تربیت ایالات مختلف آمریکا و با مصاحبه با ۸۲۷ زندانی بالای ۴۰ سال انجام گرفت نشان داده شد که ۹۲ درصد از این زندانیان در زمان بلوغ دارای سابقه حبس بوده‌اند و حرفه مجرمانه خویش را تاکنون ادامه داده‌اند. (۱۴) در تحقیقی دیگر نیز «وایز» و «سدرستروم» خاطر نشان نموده‌اند که «تکرار خشونت در میان کسانی که قبلاً مرتکب جرم شده بودند نه یک امر نادر بلکه یک هنجار ثابت است.» (۱۵)

همچنین براساس یافته‌های بلومستین زودترین زمان برای اشتغال به جرم در حدود ۱۰ سالگی است. آغاز ارتکاب جرم در اواخر دوره ۱۳ تا ۱۹ سالگی به حداکثر رشد خویش می‌رسد و سپس مستمراً پایین می‌آید. در اواخر دوره مذکور حداکثر احتمال بازداشت افراد به دلیل ارتکاب جرایم قتل و دیگر جرایم پیش گفته برای سیاهپوستان ۶ درصد و برای سفیدپوستان ۲ درصد است. براساس برخی از تحقیقات نسبت ارتکاب جرم سیاهان در مقابل سفیدپوستان ۸ (برای سیاهان) به ۱ (برای سفیدپوستان) است. آمارهای دیگر برای جرایم قتل و دیگر جرایم پیش گفته این نسبت را ۱ به ۳ و برای جرایم متضمن صدمه بدنی ۱ به ۴ می‌دانند. از لحاظ مشارکت دو جنس در ارتکاب جرم نسبت مردان به زنان ۳ تا ۵ برابر بیشتر است. این نسبت در مورد جرایم بسیار سنگین افزایش می‌یابد. (۱۶)

درباره مباشرت افراد در ارتکاب جرم، براساس یافته‌های «بلومستین» خانواده و رفتار ضد اجتماعی زمان کودکی نقش اصلی را ایفا می‌نمایند (تئوری معاشرت ترجیحی). تأثیر خانواده بر ارتکاب جرم در زمان آینده ممکن است ناشی از والدین ناشایست، دیسپلین خشن خانوادگی، روابط ضعیف خانوادگی، عدم نظارت بر فرزندان یا نظارت اندک، سوابق مجرمانه والدین، اختلافات شدید والدین و از هم پاشیدگی خانواده و بزرگی بی‌اندازه آن، خصوصاً در خانواده‌های فقیر و شاخصه‌های دیگری از وضعیت اجتماعی - اقتصادی پایین خصوصاً برای ارتکاب جرایم سنگین، باشد.

بیشترین نرخ مباشرت در ارتکاب جرم و استمرار آن را در میان بزهکارانی می‌توان دید که بزهکاری خود را در زمان کودکی آغاز کرده‌اند. رفتار ضد اجتماعی پنهانی مانند دروغ‌گویی و سرقت، و رفتار ضد اجتماعی آشکار مانند حمله و تهاجم به دیگران و ایجاد درگیری و دعوا، عدم اتمام تحصیل در مدرسه، استفاده از مواد مخدر و الکل و ارتباط با گروه‌های بزهکاران از جمله شاخصه‌هایی هستند که بزهکاری آینده و استمرار آن را پی می‌ریزند. ظهور این شاخصه‌ها در زمان کودکی، مناسب‌ترین علامت برای درگیری در حرفه مجرمانه است (تئوری معاشرت ترجیحی و نیز تئوری آنومی).

یافته‌های مذکور با آنچه که در تحقیقات دیگر مورد اشاره قرار گرفته است نیز تأیید می‌گردد. مطابق یافته‌های «لی، یونگ - کی» و «ری، چول - ون» زمان آغاز بزهکاری مهم‌ترین معیار برای ادامه حرفه مجرمانه است. به علاوه، بزهکاری که ارتکاب جرم خود را در زمان کودکی و نوجوانی آغاز نموده و نسبت به عکس‌العمل اجتماعی در قالب برجسب مجرمانه‌ای که به او زده شده است نیز حساس بوده است، بیشتر از دیگران، حرفه مجرمانه خود را ادامه خواهد داد. تمایل به تخصص در رفتار مجرمانه، ارتباط عمیقی با طول مدت آن دارد. از طرف دیگر بزهکارانی که به استفاده از مواد مخدر می‌پردازند بیش از آنانی که از این مواد استفاده نمی‌کنند به حرفه مجرمانه خویش ادامه می‌دهند. همچنین افزایش میزان تحمل مجازات و جمع‌آوری سوابق کیفری افزون‌تر به وسیله بزهکار طول مدت آزادی او را نیز کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، هر چقدر بر میزان مجازات‌های تحمیلی بر مجرم افزوده می‌گردد تحمل فضای آزاد برای

مجرم مشکل‌تر گردیده، زودتر مرتکب جرم می‌شود. در این مورد هیچ تفاوتی میان انواع مجازات‌های تحمیلی وجود ندارد. اما متغیرهایی مانند سن بازداشت، تعداد بازداشت، مدت کلی حرفه مجرمانه و میزان تحمیل حبس دارای اهمیت می‌باشند. (۱۷)

اهمیت شناختن دقیق این عوامل، همان‌گونه که قبلاً گفته شد در تبیین تئوریک تکرار جرم و اتخاذ سیاست پیشگیرانه صحیح و دقیق مؤثر است.

۲-۲- کثرت جرایم ارتكابی دومین بعد حرفه مجرمانه

به معنای ارتكاب بیش از یک جرم به وسیله مجرم یا مجرمین است. این امر با احتساب تعداد جرایم ارتكابی به وسیله یک فرد فعال در ارتكاب جرم در طول یک سال محاسبه می‌گردد. علی‌رغم تفاوت‌هایی که ممکن است در تعیین نرخ جرایم ارتكابی به واسطه استفاده از روش‌های مختلف و مطالعه گروه‌های متفاوت وجود داشته باشند، می‌توان گفت که متوسط نرخ ارتكاب جرایم خشن به وسیله یک مجرم خشن فعال^۱ در طول یک سال ۲ تا ۴ فقره است و این نرخ برای مجرمین فعال در جرایم علیه اموال^۲ ۵ تا ۱۰ فقره می‌باشد.

ارتكاب مکرر جرم در قالب حرفه مجرمانه علی‌الاصول بیشتر به وسیله کسانی که سابقه زندان داشته‌اند اتفاق می‌افتد تا کسانی که فاقد چنین تجربه‌ای بوده‌اند (تئوری برجسب‌زنی). در آمریکا، با توجه به گزارش‌های شخصی زندانیان در کالیفرنیا و میشیگان تخمین زده می‌شود قبل از زندانی شدن بزه‌کارانی که در ارتكاب سرقت فعال بوده‌اند به‌طور متوسط مرتکب ۱۵ تا ۲۰ فقره از این سرقت در طول یک سال می‌شوند و آنانی که در ارتكاب سرقت توأم با اذیت و آزار فعال بوده‌اند، به‌طور متوسط مرتکب ۴۵ تا ۵۰ فقره از این جرم می‌شوند.

چنین تفاوتی بین خود مجرمین مکرر نیز وجود دارد. اکثریت آنان مرتکب تعدادی معین و نه زیاد از جرایم می‌گردند در حالی که درصد کوچکی از آنان مرتکب بیش از ۱۰۰ جرم در سال می‌شوند.

1- Active violent offender

2- Active Property Offender

این یافته‌ها خصوصاً از آن جهت دارای اهمیت است که برای کاهش نرخ تکرار جرم باید بر روی مرتکبین جرایم با نرخ افزون‌تر یا مجرمین حرفه‌ای سیاست‌گذاری گردد. (۱۸) تحقیقات ناظر به بزهکاری صفار و بزرگسالان نشان می‌دهد که در میان بزهکاران تنها گروه کوچکی (معمولاً میان ۵ تا ۱۰ درصد) وجود دارد که مسئول ارتکاب اکثریت میزان جرایم و نیز شدیدترین آنهاست. به‌طور کلی هم در میان بزهکاران صغیر و هم در میان بزرگسالان بزهکار این گروه مرتکب خشن‌ترین انواع جرایم می‌گردند. (۱۹) اینان معمولاً ارتکاب جرم را در زمان نوجوانی آغاز می‌کنند و از این جهت ارتکاب اعمال مجرمانه، به صورت پیشه و حرفه دائمی آنان مستقر می‌گردد. برخی از نویسندگان در تحقیقات خویش تأکید نموده‌اند که «۱۰ درصد جمعیت مرتکبین جرایم خشن که بیشترین نرخ ارتکاب جرم سرقت را داشته‌اند، مرتکب بیش از ۱۳۵ فقره از این جرم در سال شده‌اند. ۱۰ درصد با بالاترین نرخ ارتکاب جرم سرقت توأم با اذیت و آزار مرتکب بیش از ۵۰۰ فقره از این جرم در سال شده‌اند و ده درصد با بالاترین نرخ خرید و فروش مواد مخدر مرتکب بیش از ۴۰۰۰ فقره از این جرم در سال شده بودند.»

بر نرخ تکرار جرم افراد نه تنها جنس، سن و نژاد که قبلاً از آنها یاد شده است موثرند، بلکه عوامل دیگری از قبیل زمان آغاز ارتکاب جرم، استفاده از مواد مخدر، بیکاری (تئوری اقتصادی جرم) و سوابق مجرمانه نیز تأثیر می‌گذارند. مجرمینی که حرفه مجرمانه خویش را از کودکی و نوجوانی آغاز نموده‌اند معمولاً نرخ ارتکاب جرم آنان بیش از مجرمینی است که حرفه مجرمانه خویش را در سنین بزرگسالی و پیری آغاز کرده‌اند. نرخ افزون‌تر تکرار جرم در میان مجرمینی که به استفاده از مواد مخدر مبادرت می‌نمایند و خصوصاً آنانی که هم از مواد مخدر و هم از الکل استفاده می‌کنند و به ویژه کسانی که از نوجوانی به استفاده از آن پرداخته‌اند حکایت از ضرورت سیاست‌گذاری ویژه برای این دسته از مجرمین دارد. (۲۰) تکرار جرم برای این دسته از مجرمین حداقل دو بار بیشتر از تعداد جرایم ارتکابی کسانی است که از این مواد استفاده نمی‌کنند. بنابراین استفاده از مواد مخدر و الکل یکی از مهم‌ترین معیارهای شناخت چنین مجرمینی است که دارای نرخ بسیار بالا و جرایم سنگین و شدید هستند. (۲۱) علاوه بر این بیکاری و طول مدت آن نیز عامل مهمی برای ارتکاب تعداد بیشتر جرایم حرفه‌ای محسوب می‌گردد. این دسته از

مجرمین در مدت بیکاری بیشترین جرایم را مرتکب می‌شوند. فعالیت مجرمانه قابل توجه در گذشته، بهترین نشانه برای افزایش نرخ تکرار جرم به وسیله این مجرمین در آینده است. (۲۲) چنین سطحی از اشتغال به حرفه مجرمانه و دخالت عوامل متعدد و مؤثر در تشدید آن، موجب ایجاد نوعی از فرهنگ خاص ارتکاب جرم می‌گردد که کلیه مجرمین مزمن و خشن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (۲۳) برخی تخمین زده‌اند که بیش از ۶۵ درصد جمعیت زندان‌ها را چنین گروهی تشکیل می‌دهند. (۲۴)

۳-۲- شدت و سنگینی جرایم ارتكابی

مطالعه میزان جرایم ارتكابی ناظر به تمایل افراد به کثرت و مقدار ارتكاب جرم است. در مقابل تحلیل شدت جرایم ارتكابی، راجع به ویژگی‌ها و خصوصیات انواع جرایم ارتكابی است. تشخیص اینکه کدام یک از مجرمین مرتکب کدام دسته از جرایم شدید می‌گردند می‌تواند در سیاست‌گذاری مؤثر افتد.

همان‌گونه که گفته شد اکثریتی از مجرمین حرفه‌ای را استفاده‌کنندگان از مواد مخدر و الکل تشکیل می‌دهند. درباره تأثیر این مواد بر شدت و کیفیت رفتار مجرمانه معمولاً این‌گونه بیان می‌گردد که استفاده‌کنندگان از این مواد به نحو انتخابی و قایع ناخوشایند را فراموش می‌کنند. (۲۵) این وقایع ممکن است افسردگی‌های شدید، احساسات آزاردهنده، اضطراب‌ها، احساس گناه یا خجالت و همچنین احساس ترس و به طور خلاصه فراموشی کلیه چیزهای بد و به یاد داشتن چیزهای خوب باشد. در همین راستا، آنان با صرف نظر کردن از احساس ترس و بیم در حضور شاهد یا امکان دستگیری و تحمل مجازات و غیره، مرتکب شدیدترین جرایم می‌گردند. (۲۶) برخی از محققین نشان داده‌اند که یادآوری امکان حضور شاهد از شدت جرایم ارتكابی می‌کاهد. (۲۷)

از طرف دیگر با فرض اینکه اکثریت مجرمین حرفه‌ای مرتکب جرایم علیه اموال خصوصاً سرقت و جرایم خشونت‌آمیز می‌گردند و ارتكاب این نوع از جرایم معمولاً همراه با روبه‌رویی و مقابله با مالباخته یا مجنی علیه است، می‌توان به تأثیر الکل و مواد مخدر بر افزایش سرعت

جرایم ارتكابی آنان پی برد. (۲۸) حتی برخی از مجرمین با استفاده از چنین موادی، سعی در فراموش کردن شدت اعمال ارتكابی خود در زمان ارتكاب آن دارند و به این ترتیب به انکار وخامت آن می‌پردازند. (۲۹)

بررسی شدت ارتكاب جرم مجرمین حرفه‌ای علی‌الاصول بر تعیین چگونگی تغییر نوع جرایم ارتكابی این دسته از مجرمین در مسیر حرفه مجرمانه متمرکز می‌گردد. در این راستا دو موضوع مهم و قابل بررسی عبارتند از: «تخصص»^۱ و افزایش تدریجی شدت و سنگینی جرایم ارتكابی.^۲

مفهوم تخصص ناظر به تمایل مرتکب جهت تکرار جرایم مشابه در طول مدت ارتكاب جرم است. در حالی که «شدت تدریجی» ناظر به تمایل مجرم جهت ارتكاب جرایم شدیدتر است. در هر دو مورد، تأکید بر تغییر ترکیب انواع جرایم ارتكابی است نه بر تعداد آنها. معمولاً مجرمان فعال در ارتكاب جرم، انواع مختلف جرایم را مورد آزمایش قرار می‌دهند تا به نوع خاصی از جرم که مطابق میل و مهارت آنان است دست یابند و سپس در آن تخصص حاصل نمایند. از طرف دیگر، آنان با بقای در حرفه مجرمانه و تخصص در ارتكاب جرم، معمولاً خشن‌تر و خطرناک‌تر می‌گردند و در طول زمان به سوی ارتكاب جرایم سنگین‌تر و شدیدتر حرکت می‌کنند. در مقابل این شدت تدریجی ممکن است رویکرد «عدم تشدید»^۳ نیز وجود داشته باشد که راجع به جوانان و نوجوانان مرتکب جرایم شدیدتری است که در طول زمان ادامه ارتكاب جرم به سوی جرایم خفیف‌تر سوق پیدا می‌کنند و به صورت مجرمان مزمن مزاحم^۴ در می‌آیند. (۳۰)

تردیدی نیست که تعیین و شناخت انواع جرایم ارتكابی شدید به وسیله مجرمان حرفه‌ای در مقابله با آنها و تشخیص سیاست‌های مناسب فوق‌العاده ضروری است. (۳۱) تلاش برای کنترل این دسته از جرایم که مورد ارتكاب خطرناک‌ترین انواع مجرمان است می‌تواند ناکامی‌گروهی

1- Specialization

2- Escalation

3- De - escalation

4- Chronic Nuisance offenders

ثابت از مجرمان و عدم ارتکاب کثیری از جرایم شدید را در پی داشته باشد. اگر نوع خاصی از تخصص برای ارتکاب جرم وجود دارد و اگر تعدادی از مجرمان همیشه فعال در ارتکاب این جرایم دارای سابقه هستند، بنابراین می توان استنتاج نمود که آنان اولین نامزدهای ارتکاب چنان جرایمی خواهند بود. این واقعیت، ضرورت کنترل این دسته از جرایم و مجرمین را آشکار می نماید. این نکته همچنین در ارتباط با شدت تدریجی جرایم ارتكابی صادق است. اگر در این فرایند مجرمین حرفه ای مرتکب جرایم سنگین تری می گردند، کنترل آن فرایند به معنای مهار خطرناک ترین انواع جرایم خواهد بود.

۲-۴. طول مدت حرفه مجرمانه

گرچه بسیاری از تحقیقات انجام شده راجع به حرفه مجرمانه ناظر به تعداد جرایم ارتكابی بزهکاران و جهات متعدد آن است، اما بررسی چگونگی اتمام حرفه مجرمانه نیز مورد توجه برخی از محققین قرار گرفته است. «پختگی»^۱ یا اصلاح بلوغ^۲ مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در توجیه علل توقف حرفه مجرمانه است، «گلوکها» در اثر خویش پس از پی گیری بزهکاران موضوع تحقیق خود در طول چندین سال خاطر نشان می کنند که فرایندی از پختگی که منجر به صرف نظر کردن از ارتکاب جرایم شدید به سوی ارتکاب جرایم خفیف و نهایتاً ترک ارتکاب جرم می شود را در زمان پختگی سنی بزهکاران می توان مشاهده نمود. (۳۲) در همین مورد بسیاری دیگر از نویسندگان به کاهش سریع نرخ جرم پس از سن ۳۰ سالگی اشاره نموده اند (۳۳) و متذکر شده اند که درباره چگونگی وقوع این فرایند دانسته های اندکی وجود دارد. «ولفگانگ» و همکاران او در تحقیق خود نشان می دهند که ۶۲ درصد از بزهکارانی که یک بار مرتکب جرم شده اند، ۵۵ درصد از آنانی که دوبار مرتکب جرم گردیده اند، ۴۵ درصد از کسانی که سه بار مرتکب جرم شده اند، ۳۲ درصد از کسانی که چهار بار مرتکب جرم شده اند و ۲۲ درصد از بزهکاران مزمن، پس از رسیدن به بلوغ و در طول این سن دیگر حرفه مجرمانه خود را ادامه

نداده‌اند. (۳۴) برخی دیگر خاطرنشان نموده‌اند که ۵۹ درصد از نوجوانانی که بزهکاری خود را در سنین ۱۳ و ۱۴ سال آغاز کرده بودند، از ۱۶ سالگی از ادامه ارتکاب جرم خودداری نموده‌اند. (۳۵) در تحقیق دیگر، با تأکید بر «اصلاح دوران بلوغ» «پولک» و همکاران او دریافتند که از ۵۱ درصد از بزهکاران موضوع تحقیق آنها که در اوایل بلوغ درگیر تکرار جرم بوده‌اند تنها ۱۳ درصد پس از سن ۲۷ سالگی مرتکب جرایم خشونت‌بار شده‌اند. (۳۶) به همین ترتیب بلومستین و همکاران او نتیجه می‌گیرند: اکثر بزهکارانی که در سن ۱۸ سالگی حرفه مجرمانه خود را آغاز کرده‌اند، پس از رسیدن به سن ۳۰ سالگی از ادامه آن صرف‌نظر می‌نمایند. (۳۷)

تحقیقات نشان می‌دهد که مدت حرفه مجرمانه برای بزرگسالان حرفه‌ای که مرتکب جرایم قتل و زنا‌ی به عنف و سرقت و غیره می‌گردند به طور متوسط ۵ سال است. با این وجود این مدت برای مجرمینی که در سن ۳۰ سالگی نیز دارای فعالیت مجرمانه‌اند، ۱۰ سال است. (۳۸) بدین ترتیب بررسی زمان پایان حرفه مجرمانه^۱ نیز یکی از موضوعات مورد مطالعه در این باره است. متغیرهای ناظر به نوع جرم و ناظر به مجرمان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ادامه یا عدم ادامه حرفه مجرمانه می‌باشند و می‌توانند میان تکرارکنندگان مُصَرِّحاً و غیره مداوم جرم تفکیک ایجاد نمایند.

کشف این امر که برخی از متغیرها در ارتباط با مجرم به پایان زودتر حرفه مجرمانه منتهی خواهند شد، می‌تواند مبنایی برای تمییز گروه‌های مختلف مجرمان از یکدیگر براساس طول مدت حرفه مجرمانه آنها گردد. در این راستا می‌توان با در نظر گرفتن چنین متغیرهایی از آنها در برنامه‌ریزی برنامه‌های اصلاح و تربیت استفاده نمود. در سطحی دیگر می‌توان از این متغیرها در تدوین و اجرای «برنامه‌های مداخله‌جویانه»^۳ استفاده کرد.

به عنوان مثال، اگر اشتغال به کار و حرفه قانونی به عنوان عاملی مؤثر بر اختتام حرفه مجرمانه در نظر گرفته شود، تمهید شرایط مناسب برای اشتغال قانونی مجرمین حرفه‌ای

1- Termination of criminal career 2- Persistents

3- Intervention Programs

به عنوان یک اقدام مداخله جویانه می تواند در کاهش جرایم حرفه ای و جلوگیری از خطرناکی افزون تر مجرمین مذکور مؤثر واقع گردد.

از طرف دیگر، بررسی عوامل و متغیرهای مؤثر بر بقای مجرمین حرفه ای در حرفه های مجرمانه، می تواند منجر به اتخاذ تدابیر مناسب جهت سلب توان بزهکاری^۱ آنان از طریق حبس گردد. (۳۹)

تحقیقات متعددی زمینه های مختلف چگونگی ادامه حرفه مجرمانه را مورد بررسی قرار داده اند. برخی از آنها تنها به بررسی پایان بزهکاری صفار یا بزرگسالان پرداخته اند تا پایان بزهکاری صفار یا آغاز بزهکاری بزرگسالان را تعیین کنند و بعضی دیگر از این تحقیقات، بررسی استمرار بزهکاری صفار را تا ورود آنان به بزهکاری بزرگسالی ادامه داده و به تبیین رابطه میان بزهکاری دوره صغر و بزهکاری دوران بزرگسالی پرداخته اند.

در تحقیقات دیگر به بررسی تعداد وقایع مجرمانه در طول مدت حرفه مجرمانه پرداخته شده و به احتمال توقف و اختتام حرفه مجرمانه پس از هر بازداشت یا توقیف توجه شده است. در این تحقیقات حرفه مجرمانه براساس احتساب توقیف های پیشین مورد شناسایی و تعریف قرار می گیرد.

مهم ترین پرسش در این زمینه آن است که چگونه احتمال پایان حرفه مجرمانه با انبوهی بازداشت های بعدی تغییر می کند و میزان توقیف ها و بازداشت های مورد انتظار که بیانگر ادامه و استمرار حرفه مجرمانه می باشند، در این موقعیت خاص برای مجرم حرفه ای چقدر است و با چه معیارهایی می توان به شناسایی تکرارکنندگان مُصر جرم که ارتکاب جرایم آنان پایانی ندارد، توفیق حاصل نمود؟

گروهی دیگر از تحقیقات به بررسی طول مدت فعلی حرفه مجرمانه پرداخته اند و به بررسی فاصله زمانی میان ارتکاب جرم اول و جرم دیگر اقدام نموده اند. در تجزیه و تحلیل سیاست های ناظر به اجرای مجازات سالب آزادی و سلب توان بزهکاری، تغییر فاصله زمانی ایجاد شده بین

جرم ارتكابی اول و جرایم بعدی برای مجرمان حرفه‌ای، خصوصاً از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند دلالت بر تأثیر یا عدم تأثیر مجازات‌های مذکور نماید. (۴۰) به عنوان مثال، «لی بیونگ-کی» و «روی - چون - ون» در تحقیق خویش دریافتند که به همان ترتیب که نرخ بازداشت افزایش می‌یابد، مدت تحمل حبس نیز بالا رفته، زمان آزادی بزهکار در جامعه کاهش می‌یابد. وقتی زمان آزادی بزهکار (زمانی که بزهکار به جای حبس در جامعه است)^۱ با کنترل نرخ بازداشت تجزیه و تحلیل می‌شود، مدت زمان بین اولین توقیف با توقیف بعدی کمتر می‌شود. به عنوان مثال، با ده مرتبه بازداشت، فاصله زمانی بین اولین بازداشت با دهمین بازداشت ۲/۳ برابر کمتر از فاصله زمانی بین اولین بازداشت با دومین بازداشت است.

برای این کاهش مدت دو توضیح وجود دارد. اولی آنکه با افزایش نرخ بازداشت‌ها، مرتکب درگیر ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه بیشتر می‌گردد و امکان بازداشت‌های بعدی را نیز افزایش می‌دهد و نتیجتاً مدت زمان آزادی خود را به‌طور فزاینده‌ای کاهش می‌دهد. و دوم آنکه وقتی یک فرد یک بار توقیف (بازداشت) شده است، احتمال بازداشت‌های بعدی او از آن جهت که مورد توجه و پیگرد مستمر پلیس قرار می‌گیرد افزایش می‌یابد. (۴۱)

اینک با توجه به آنچه که راجع به حرفه مجرمانه بیان گردید تلاش می‌گردد تا با نظر به برخی تحقیقات جرم‌شناسی بررسی مفاهیم مذکور را در عمل ملاحظه نماییم.

«کمپ کیمبرلی» در تحقیق خود که به سال ۱۹۸۶ انجام داد، در رابطه با پایداری و تغییر حرفه مجرمانه به نتایج جالب توجهی دست یافت (۴۲) که خلاصه آن ذیلأ مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از تحقیق او این بود که تعیین نماید چه جوانانی از متولدین سال ۱۹۵۸ فیلادلفیا بیشتر احتمال دارد به سوی ارتکاب جرم در بزرگسالی رهسپار گردند؟ نتایج تحقیق او حاکی از آن است که جوانانی که تجربه ارتباط رسمی با پلیس به خاطر ارتکاب جرم را نداشته‌اند کمتر احتمال متهم شدن به ارتکاب جرم در دوره جوانی - بزرگسالی^۲ را نسبت به جوانانی که چنین ارتباطی با پلیس پیدا کرده بودند دارند. به علاوه، در میان بزهکاران بزرگسال، تعداد بسیاری از

افراد یافت شده‌اند که پیش از سن ۱۸ سالگی سابقه یک بار یا تعداد بیشتر ارتباط با پلیس را داشته‌اند، و لذا بیشتر از دیگران در بزرگسالی مرتکب جرم شده‌اند.

همچنین یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است افرادی که مدت کمتری را در حرفه مجرمانه سپری کرده‌اند، از احتمال کمتری جهت تجدید ارتکاب جرایم و استمرار فعالیت مجرمانه برخوردارند. نیز بزهکاران متخصص و مرتکبین جرایم شدید و سنگین، بیش از بزهکاران غیرمتخصص و مرتکبین جرایم سبک‌تر مستعد ادامه جرم در دوره بزرگسالی هستند.

«بلاک» و «ورف» نیز در تحقیق خویش که راجع به آغاز و انجام حرفه مجرمانه در رابطه با مجرمین محکوم در ۱۹۷۷ هلند بود به نتایج جالب توجهی رسیدند. هدف آنان از این تحقیق بررسی تکرار جرم محکومین مذکور در ۶ سال پس از آزادی بود. آنان دریافتند بزهکاران مردی که ۶ بار یا بیشتر سابقه بازداشت دارند، احتمال فوق‌العاده‌ای نیز برای ارتکاب مجدد جرم دارند. این احتمال حتی در میان افراد ۴۰ تا ۸۰ سال، برای توقیف مجدد در حدود $\frac{۳}{۴}$ است. همچنین براساس یافته‌های آنها هر چه فاصله زمانی بیشتری از توقیف اول می‌گذرد احتمال بازداشت مجدد و به عبارتی تکرار جرم کاهش می‌یابد. بنابراین اگر یک مجرم برای جرم قبلی «اخیراً» بازداشت شده باشد احتمال بازداشت مجدد او بیشتر است از اینکه در سال گذشته بازداشت شده باشد. به همین دلیل آنان معتقدند که «مدت آزاد جرم» بیشتر از سن می‌تواند دلالت بر احتمال وقوع یا عدم وقوع تکرار جرم نماید. (۴۳)

از طرف دیگر، در میان بزهکاران سال ۱۹۷۷ مورد مطالعه این محققین مجرمین جنسی و مرتکبین سرقت به عطف کمترین مدت آزاد جرم را داشته و بنابراین سریع‌تر از دیگران مرتکب جرم حرفه‌ای گردیده‌اند. همچنین احتمال اینکه مرتکبین سرقت دوباره مرتکب سرقت شوند و مرتکبین جرایم جنسی دوباره مرتکب زنا یا به عطف یا تجاوز جنسی دیگر شوند $\frac{۱}{۴}$ است. به این معنی که از میان ۲ جرم احتمالی قابل ارتکاب، یکی از آنها احتمالاً سرقت (برای مرتکبین سرقت) یا جرایم جنسی و زنا یا به عطف (برای مرتکبین جرایم جنسی) است. علاوه بر این احتمال اینکه جرم دوم این دو دسته از بزهکاران جزء جرایم سنگین باشد بیش از سایر بزهکاران است. از طرف دیگر، مدت زمان آزاد جرم این دسته از بزهکاران که دارای سابقه ارتکاب جرم

هستند علی‌الاصول کوتاه‌تر از مدت زمان آزاد مرتکبین سرقت و جرایم جنسی است که برای بار اول مرتکب جرم شده بودند. به همین ترتیب به دلیل کوتاهی مدت زمان آزاد جرم مجرمین سرقت از منازل و اماکن و مجرمین جنسی، آنان دارای تعداد زیادی از جرایم ارتكابی در آینده خواهند بود که البته ممکن است برخی از این جرایم جزء جرایم جنسی یا سرقت نباشند. (۴۴)

همچنین یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که سارقان حرفه‌ای، کمتر از دیگر انواع مجرمین دارای مدت آزاد جرم هستند و بازداشت بعدی بسیار سریع اتفاق می‌افتد. این امر در مورد مرتکبین جرایم جنسی و کسانی که فقط یک سابقه بازداشت دارند و همچنین سایر انواع مجرمین صادق نیست. در مورد این گروه مدت آزاد جرم بیشتر به تعداد بازداشت‌های قبلی (سوابق مجرمانه) بستگی دارد. مطابق یافته‌های آنان براساس میزان برخورداری کم به زیاد از مدت آزاد جرم می‌توان مجرمین را به ترتیب چنین تقسیم‌بندی نمود:

۱- سارقان حرفه‌ای - صرف نظر از تعداد جرایم قبلی آنان:

- متوسط ماه‌های آزاد جرم = ۸ ماه

- ۳۸ درصد آزادی از جرم در حداقل ۱۲ ماه

۲- مجرمین حرفه‌ای جرایم جنسی و سایر مجرمین مکرری که ۶ بار یا بیشتر سابقه بازداشت داشته‌اند:

- متوسط ماه‌های آزاد جرم = ۱۱ ماه و نه روز

- ۴۸ درصد آزادی از جرم در حداقل ۱۲ ماه

۳- مجرمین حرفه‌ای جرایم جنسی و دیگر مجرمین مکرری که حداقل ۱ تا ۵ سابقه بازداشت داشته‌اند:

- متوسط ماه‌های آزاد جرم = بیش از ۷۲ ماه

- ۷۸ درصد آزادی از جرم در حداقل ۱۲ ماه

۴- مجرمین محکوم برای بار اول با داشتن ۱ تا ۵ سابقه بازداشت:

- متوسط ماه‌های آزاد جرم = بیش از ۷۲ ماه

- ۶۰ درصد آزادی از جرم در حداقل ۱۲ ماه

۵- مجرمین محکومی که هیچ سابقه بازداشت نداشته‌اند:

- متوسط ماه‌های آزاد جرم بیش از ۷۲ ماه

- ۹۲ درصد آزادی از جرم در حداقل ۱۲ ماه (۴۵)

اکنون با توجه به آنچه که در آغاز راجع به حرفه مجرمانه بیان گردید لازم است اهم خصوصیات مجرم حرفه‌ای را که توجه به آن جهت تبیین تئوریک تکرار جرم حرفه‌ای فوق‌العاده ضروری است مورد اشاره قرار دهیم. برخی از نویسندگان مهم‌ترین ویژگی‌های مجرم حرفه‌ای را به این ترتیب برشمرده‌اند: (۴۶)

۱- مجرم حرفه‌ای معمولاً برای کسب درآمد و سود مرتکب جرم می‌شود. و اکثراً مرتکب جرایم علیه اموال می‌گردد. در مقابل اشخاصی که در مشاغل قانونی اشتغال دارند، شغل مجرم حرفه‌ای به اصطلاح یک شغل غیرقانونی است.

۲- فعالیت مجرمانه بخشی از روش زندگی مجرم حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد. او خود را به عنوان یک مجرم می‌شناسد و به‌طور وسیعی با سایر مجرمین همکاری می‌کند. پیشرفت در این حرفه مستلزم تحصیل فنون بسیار پیچیده، ارتکاب تعداد بسیاری جرم و نهایتاً وابستگی به جرم به‌عنوان مهم‌ترین یا تنها وسیله ادامه حیات است.

۳- مرتکبین جرایم حرفه‌ای یا متمایل به توسعه و تکمیل انواع مختلف جرایم علیه اموال و یا تخصص در نوع خاصی از جرم هستند.

۴- مجرمین حرفه‌ای در انجام رفتارهای سیستماتیک و منظمی درگیر هستند که هم مستلزم سازماندهی فردی و هم اجتماعی است، تعدیات و تجاوزات مجرم حرفه‌ای تنها محصول یک تعارض فردی با شرایط و اوضاع و احوال پیش‌بینی نشده نیست، آن‌گونه که در مورد مجرمین غیرحرفه‌ای وجود دارد. مجرمین حرفه‌ای، برای ارتکاب جرم دارای برنامه‌ای مشخص هستند و کاملاً به آنچه که انجام می‌دهند آگاه می‌باشند. مجرمین حرفه‌ای به یاری و کمک دیگر مجرمین ممنوع پشتگرم هستند و ممکن است در سازمانی معین فعالیت نمایند. با توجه به ماهیت و وسعت جرایم ارتکابی، ممکن است مجرمین حرفه‌ای ارتکاب جرم را حرفه دائمی خود قرار دهند و به این ترتیب از فعالیت در امور قانونی روز به روز بیشتر فاصله گیرند.

نتیجه

یافته‌های تحقیقات ناظر به بزهکاری حرفه‌ای می‌تواند نقش مهمی در تصمیمات مراجع تصمیم‌ساز نظام عدالت کیفری ایفا نماید. این تصمیمات اصولاً در پنج نقطه اتخاذ می‌شوند: توقیف بزهکار، آزادی پیش از محاکمه، تعقیب، صدور حکم به مجازات و تصمیم به اتخاذ تدابیر مساعد نسبت به بزهکار از قبیل اعطای آزادی مشروط یا تعلیق مجازات. در هر مرحله از مراحل فوق، تصمیم‌سازان عرصه عدالت کیفری با مسایل عمده‌ای روبرو می‌باشند. مسایلی از قبیل ضرورت حفظ نظم عمومی و حمایت از آن، اعمال مجازات متناسب به بزهکار، تأمین نظم و امنیت در زندان و به طور کلی تأمین کلیه اهداف نظام عدالت کیفری از آن جمله اند. جهت حصول به این اهداف، مراجع تصمیم‌ساز باید نسبت به اتخاذ روش‌هایی جهت اصلاح و بازپروری فردی بزهکاران و یا توجه به زمینه‌های بروز و ظهور بزه از قبیل بیکاری، سوءاستفاده از مواد مخدر و یا اعتیاد به آن و به طور کلی شرایطی که منجر به پایداری فرد در ارتکاب جرم و حرفه‌ای شدن در آن می‌شود، اقدام نمایند.

در این خصوص نتایج بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که سن ارتکاب اولین جرم، استفاده از مواد مخدر، بیکاری و داشتن سابقه جنایی از جمله عوامل مؤثر بر استمرار فعالیت جنایی به شمار آمده، حاوی نکات قابل توجهی در اتخاذ سیاست جنایی مؤثر می‌باشند. بزهکارانی که فعالیت مجرمانه خود را در سنین پایین‌تری آغاز کرده‌اند نسبت به بزهکاران دیگر، فعالیت مجرمانه بیشتری دارند. همچنین استفاده از مواد مخدر یکی از عوامل مؤثر بر پایداری بزهکاران در ارتکاب جرم است. این ویژگی به خصوص در کسانی بیشتر است که استفاده از مواد مخدر را از نوجوانی آغاز کرده‌اند. علاوه بر این، مدت زمانی که فرد دچار بیکاری می‌شود نیز عامل موثری در ارتکاب جرایم جدید یا تجدید فعالیت جنایی وی تلقی می‌گردد. نکته دیگر آنکه، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که داشتن فعالیت مجرمانه زیاد در گذشته، نشانه مناسبی برای پیش‌بینی فعالیت مجرمانه بیشتر در آینده برای بزهکاران فعال است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که دریابیم با استمرار فعالیت مجرمانه در مدت زمانی نسبتاً طولانی و پایداری فرد در ارتکاب جرم به صورت حرفه‌ای، بر شدت و سنگینی جرایم ارتکابی او نیز

افزوده خواهد شد.

یادداشت‌ها و زیرنویس‌ها:

- 1 - Sutherland, Edwin H. (1972, 1937) *The professional thief*. Chicago: University of Chicago Press.
- 2 - Ronald L. Akers, (1994) *Criminological theories: introduction and evaluation*, Los Angeles, pp. 181-197.
- 3 - A. Blumstein, J. Cohen, and P. Hsieh (1982) *The duration of adult criminal careers*, Washington, D.C. US. Department of Justice (Final Report to The National Institute of Justice), pp. 2-5.
- 4 - James A. Inciardi, (1973) *The history and sociology of professional crime*, Doctoral dissertation, New York University, pp. 328-329.
- 5 - U.S. Department of Justice (1983) *Incapacitating criminals: Recent research findings*. Research in Brief, Washington, DC;: National Institute of Justice.
- 6 - Carolyn Rebeca Block, and Werff, Cornelia Van Der (1991), *Initiation and continuation of a criminal career*, Netherlands, Kluwer Law and Taxation Publishers, pp. 14-15.
- 7 - Block and Werff, (1991), *Ibid.*, p. 15.
- 8 - Blumstein, Alfred, Cohen, Jaqueline, Roth, Jeffrey A., and Visher, Christy A. (1986) *Criminal Careers and Career criminals*, Vol. 1, Washington, D.C.: National Academy Press, p. 1.

۹- برخی از مهم‌ترین این تحقیقات عبارتند از:

- M. Wolfgang, Figlio, R., and T. Sellin (1972) *Delinquency in a birth cohort*, Chicago: University of Chicago Press.
- M. Wolfgang (1977), *From Boy to man-from delinquency to crime*. Presented to the National Symposium of the Serious Juvenile Offender, Minneapolis, Minnesota.

- Wolfgang, Thornberry, T., and R. Figlio (1986), *Ibid.*
- D. Farrington, (1982), *Stepping stones to adult criminal careers*. Presented at the conference on development of antisocial and prosocial behavior in Voss, Norway.
- Farrington, (1982) Delinquency from 10 to 25. in *Antecedents of aggression and antisocial behavior* (S. Mednick, ed.) Boston: Hingham - Kluwer.
- D. West, (1982) *Delinquency: Its roots, careers and prospects*. London: Heinemann.
- 10 - L. Shannon, (1982) *Assesing the relationship of adult criminal careers to juvenile careers: A summary*. Washington, D.C.: U.S. Department of justice (NJC - 77744).
- 11 - Blumstein, *et al.* (1986), *Ibid.*, p. 2.
- 12 - Blumstein, *et al.* (1986), *Ibid.*, p. 3.
- 13 - L. Robins, and P. Oneal (1958) "Morality, mobility, and crime : problem children thirty years later", *American Sociology Review*, 23: 162-171.
- 14 - Robins, (1966) *Deviant children grown up*. Baltimore: The williams and Wilkins Company.
- 15 - P., Langan, and L. Greenfeld (1983) *Career Patterns in crime*. Washington, D.C: Bureau of Justice Statistics (Special Report NCJ - 88672).
- 16 - J. G. Weis, and J. Sederstrom (1981) *The prevention of Serious Delinquency: What to do?"* Seattle, WA: Center for Law and Justice, p.20.
- 17 - Blumstein *et al.* (1986), *Ibid.*, p. 3.
- 18 - Lee, Byung - ki, and Ryu, Cheol-Won (1994) "A study of career criminals", *Crime and Criminal Justice in Korea*, (Kic Research

- Abstract), Vol. 1, pp. 21-22.
- 19 - Blumstein, *et al.*, (1986), *Ibid.*, p. 4.
- 20 - Marvin E. Wolfgang, Robert M. Figlio, and Sellin, Thorsten, (1972), *Ibid.*
- Donald J. West, and Farrington, David, P. (1977) *The delinquent way of life*, London: Heineman.
 - Donna M. Ham Parian, Schuster, Richard, Dinitz, Simon, and Conrad, John P. (1978) *The violent few*. Lexington, Mass: Lexington.
 - Peter A. Strasburg, (1978) *Violent delinquents*, A report to the Ford Foundation. New York: Vera Institute of Justice.
 - Michael J. Hindelang, Hirschi, Travis, and Weis, Joseph G. (1975) *Measuring delinquency*, Beverly Hills, Calif.: Sage Publications.
 - Mark A. Peterson, and Braiker, Harriet B., with polich, suzanne M. (1981) *Who commits crimes. A survey of prison inmates*, Cambridge, Mass: Olegeschlager, Gunn and Hain.
 - Jan M. Chaiken, and Marcia R. Chaiken, (1982) *Varieties of criminal behavior*, Santa Monica, Calif: Rand Corporation.
- 21 - Chaiken and Chaiken (1982) *Ibid.*, pp. 56-155.
- 22 - Blumstein, *et al.*, (1986) *Ibid.*, p. 5.
- 23 - Blumstein, *et al.*, (1986) *Ibid.*, p. 4.
- 24 - Elliot Liebow, (1967) *Tally's corner: A study of Negro street corner men*. Boston, Mass: Little, Brown.
- Herbert L. Foster, (1974) *Ribbin, Jivin, and Playin' the dozens: the unrecognized dilemma of inner city schools*. Cambridge, Mass: Ballinger.
 - Bettylou Valentine, (1978) *Hustling and other hard work: life styles in the Ghetto*, New York: Free Press.
- 25 - Chaiken and chaiken, (1982), *Ibid.*, p. 176.
- 26 - Ben M. Jones, and Marilyn K. Jones (1977) Alcohol and memory

- impairment in male and female Social drinkers. in Isabel M. Birnbaum, and Elizabeth S. Parker (eds) *Alcohol and human memory*, New York: John Wiley and Sons, pp. 127-140.
- 27 - Judith M. Siegel, and Elizabeth F. Loftus, (1978) Impact of anxiety and life stress upon eyewitness testimony. *Bulletin of the Psychonomic Society*, 12: 749-480.
- Elizabeth F. Loftus, (1980) *Memory*, Reading, Mass.: Addison - Wesley, pp. 77-82.
- 28 - Loftus, Elizabeth F. and Burns, T. E. (1982) Mental shock can produce retrograde amnesia, *Memory and Cognition*, 10: 318-323.
- 29 - George A. Talland, (1968) *Disorders of memory and learning*, Harmondsworth, England: Penguin, pp. 89-91.
- 30 - Ian M.L. Hunter, (1957) *Memory, middlesex*, England: Penguin Books, p.254; Talland, (1968), *Ibid.*, p. 106.
- 31 - Blumstein, et al, (1986) *Ibid.*, p. 366.
- 32 - "The more crimes committed by an individual, the more likely the individual is to repeat those same types of crime at some future time". (Britt, Chester Lamont, (1990) *Crime, criminal careers and social control: A methodological analysis of economic choice and social control theories of crime*. Doctoral dissertation, The University of Arizona, p. 24.
- 33 - S. Glueck, and, E. Glueck (1943) *Criminal career in retrospect*, New York: the Commonwealth Fund, p. 226.
- 34 - A. Blumstein, J. Cohen, and P. Hsieh (1982) *The duration of adult criminal careers*. Washington, D.C.: Department of Justice. (Final Report to The National Institute of Justice.)
- P. Langan, and D. Farrington (1983) Two-Track or one-Track Justice? some evidence from an English longitudinal survey. *The Journal of Criminal Law and Criminology*. 72 (2) 519-546.

- H. Cline, (1980) Criminal behavior over the life span. *In Constancy and change in human development*. (O. Brim and J. Kagan, eds.) Cambridge: Harvard University press.
- 35 - Wolfgang, and Figlio, (1986), *Ibid.*, pp. 61-62.
- 36 - F. Dinitz, and J. Conrad (1984) Who is in that Dark Alley? in *Handbook of Longitudinal research: Teenage and Adult cohorts*. (S. Mednick, M. Harway, K. Finello, (eds). New York: Praeger, p. 417.
- Hamparian, Schuster, Dinitz and Conrad (1978), *Ibid.*, p. 129.
- 37 - K. Polk, C. Adler, G. Bazemore, G. Blake, G. Blake, S. Cordray, C. Corentry, J. Galvin, and M. Temple. (1981) *Becoming Adult: An Analysis of Maturational development from 16 to 30 of a cohort of young men: The Ginal Report of The Marion County Youth Study*. Eugence, OR: University of Oregon, pp. XVI-XVII, 311-312.
- 38 - Cohen Blumstein, and Hsieh, (1982), *Ibid.*, p. 72.
- 39 - William Spelman, (1994) *Criminal incapacitation*, Plenum Press, New York, p. 129.
- R. Shinnar, and S. Shinnar, (1975) "The effect of the criminal Justice system on the control of crime: a quantative approach", *Law and Society Review*, p. 597.
- Blumstein, *et al.*, (1986), *Ibid.*, p. 85.
- 40 - Blumstein, *et al.*, (1986) *Ibid.*, p. 86.
- 41 - Lee and Ryu, (1994) *Ibid.*, p. 18.
- 42 - Kimberly L. Kempf, (1986) *Constancy and change in the criminal career*, Doctoral dissertation, University of Pennsylvania, pp. 165-167.
- 43 - Block and Werff, (1991), *Ibid.*, p. 28.
- 44 - Block and Werff, (1991), *Ibid.*, p. 49.
- 45 - Block and Werff, (1991) *Ibid.*, p. 59.
- 46 - Clinnard and Quinney, (1967) *Criminal behavior systems: A typology*,

New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.

منابع لاتین:

- 1 - Akers, Ronald L. (1994) *Criminological theories: introduction and evaluation*, Los Anoleles.
- 2 - Block, Carolyn Rebeca and Werff, Cornelia Van Der (1991) *Initiation and continuatin of a criminal career*, Netherlands, Kluwer Law and Taxation Publishers.
- 3 - Blumstein, A., Cohen, J. and P. Hsieh (1982) *The duration of adult criminal careers*, Washington, D.C. US. Department of Justice (Final Report to The National Institute of Justice).
- 4 - Britt, Chester Lamont, (1990) *Crime, criminal careers and social control: A methodological analysis of economic choice and social control theories of crime*. Doctoral dissertation, The University of Arisona.
- 5 - Clinnard and Quinney, (1967) *Criminal behavior systems: A typology*, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- 6 - Dinitz, F. and J. Conrad (1984) Who is in that Dark Alley? in *Handbook of Longitudinal Research: Teenage and Adult cohorts*. (S. Mednick, M. Harway, K. Finello, (eds). New York: Praeger.
- 7- Foster, Herbert L. (1974) *Ribbin, Jivin, and Playin' the dozens: the unrecognized dilemma of inner city schools*. Cambridge, Mass: Ballinger.
- 8 - Glueck, S. and, E. Glueck (1943) *Criminal career in retrospect*, New York: the Commonwealth Fund.
- 9 - Hunter, Ian M.L., (1957) *Memory, middlese*, England: Penguin Books, p.254; Talland, (1968), Ibid.
- 10 - Inciardi, James A. (1973) *The history and sociology of professional crime*, Doctoral dissertation, New York University.
- 11 - Jones, Ben M., and Jones Marilyne K. (1977) Alcohol and memory

- impairment in male and female social drinkers. in Isabel M. Birnbaum, and Elizabeth S. Parker (eds) *Alcohol and human memory*, New York: John Wiley and sons.
- 12 - Kempf, Kimberly L. (1986) *Constancy and change in the criminal career*, Doctoral dissertation, University of Pennsylvania.
- 13 - Langan, P. and L. Greenfeld (1983) *Career Paterns in crime*. Washington, D.C: Bureau of Justice Statistics (Special Report NCJ - 88672).
- 14 - Lee, Byung - Ki, and Ryu, Cheol-Won (1994) "A study of career criminals", *Crime and Criminal Justice in Korea*, (Kic Research Abstract).
- 15 - Liebow, Elliot (1967) *Tally's corner: A study of Negro street corner men*. Boston, Mass: Little, Brown.
- 16 - Loftus, Elizabeth F. (1980) *Memory, Reading, Mass.:* Addison - Wesley.
- 17 - Loftus, Elizabeth F. and Burns, T. E. (1982) Mental shock can produce retrograde amnesia, *Memory and Cognition*, 10: 318-323.
- 18 - Petersilia, J. (1980) Criminal career research: A review of recent evidence. in *Crime and Justice*, Vol.2. (N. Morris and M. Tonry, eds.) Chicago: University of Chicago Press.
- 19 - Polk, K., Adler, C., Bazemore, G., Blake, G., Blake, G., Cordray, S., Corentry, C., Galvin, J. and M. Temple. (1981) *Becoming Adult: An Analysis of Maturational development from 16 to 30 of a cohort of young men: The Final Report of The Marion County Youth Study*. Eugene, OR: University of Oregon.
- 20 - Robins, L., (1966) *Deviant children grown up*. Baltimore: The Williams and Wilkins Company.
- 21 - Robins, L., and P. Oneal (1958) "Morality, mobility, and crime :

- problem children thirty years later", *American Sociology Review*.
- 22 - Shannon, L. (1982) *Assesing the relationship of adult criminal careers to juvenile careers: A summary*. Washington, D.C.: U.S. Department of Justice (NJC - 77744).
- 23 - Shinnar, R., and Shinnar, S (1975) "The effect of the criminal justice system on the control of crime: a quantative approach", *Law and Society review*.
- 24 - Siegel, Judith M., and Loftus, Elizabeth F. (1978) "Impact of anxiety and life stress upon eyewitness testimony". *Bulletin of th Psychonomic Society*, 12: 749-480.
- 25 - Spelman, William (1994) *Criminal incapacitation*, Plenum Press, New York.
- 26 - Talland, George A. (1968) *Disorders of memory and learning*, Harmonds worth, England: Penguin.
- 27 - U.S. Department of Justice (1983) *Incapacitating criminals: Recent research findings*. Research in Brief, Washington, DC,: National Institute of Justice.
- 28 - Valentine, Bettylou (1978) *Hustling and other hard work: life styles in the Ghetto*, New York: Free Press.
- 29 - Weis, J. G. and J. Sederstrom (1981) *The Prevention of Serious Delinquency: What to do?* Seattle, WA: Center for Law and Justice.

